

Critical Discourse Analysis of Educational Texts in Nature Schools: An Ecolinguistics Perspective

Vol. 13, No. 1, Tome 67
pp. 99-127
March & April 2022

Sedighesadat Meghdari^{1*}  & Masoome Yousefi² 

Abstract

This study aimed to critically analyze the promotional texts in nature schools within Ecolinguistics approach. Data collected through telegram channels of nature schools over the past three years. These texts are often taken from Vahhabzadeh (2013 and 2016). Finally, 45 discourse texts were selected, comprising a total of 274 clauses. Each clause was analyzed based on Halliday's systemic functional grammar from the perspective of experiential, interpersonal, and textual metafunctions, and ultimately they were ecolinguistically examined. The relationship between human and the environment and understanding the views and attitudes of these schools are among the issues were examined. The results showed that the content of 168 clauses, i.e. 61 percent of clauses, encourages humans to conserve the environment and make proper use of nature and In 149 cases, approximately 55%, there is a human-nature or nature-friendly relationship. As a result, these schools play a key role in changing human attitudes toward the environment, leading children to conserve nature.

Keywords: Ecolinguistics, Critical discourse analysis, Nature schools, Systemic Functional grammar.

Received: 13 December 2019
Received in revised form: 8 March 2020
Accepted: 7 April 2020

1. Corresponding author: General Linguistics assistant professor, Payamnoor University, Tehran, Iran; Email: s_meghdari@pnu.ac.ir,
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-9262-830X>
2. M.A in General Linguistics, Payamnoor University, Tehran, Iran.
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-6536-1331>

1. Introduction

Environmental linguistics, by nature, is the critique of language forms contributing to environmental degradation and helping the exploration new forms of language that encourage people to protect the environment. This research aims to do an ecolinguistically critical discourse analysis on nature schools texts.

Research Question(s)

What is the relationship between man and nature in the propaganda texts of nature schools?

2. Literature Review

"Environmental Linguistics" is a book translated by Aghagolzadeh (2016) is the most comprehensive and complete book in Persian. Shahnasari (2009) has ecolinguistically analyzed the shortcomings of science at both lexical and grammatical levels. Maleki et al. (2016) introduced the typology of environmental discourses in of Islamic National Parliament negotiations. Mirsaedi (2016) showed the poems contain literal devices such as metaphor, personification and so on can be considered as a model for turning Persian into a green language. Ghiasian and Shirini (2016) research is a decoding of humanism institutionalized in Persian language and culture. (see also Miboudi et al. (2014), Qatreh et al. (2015), Rakaei and Naeemi (2016), Khairabadi (2015) and Mushtaqimehr and Faizi (1397) for similar discussion).

3. Methodology

This research is done through Halliday's systematic- functional theory (2004), namely. experiential, interpersonal, and textual metafunctions from the perspective of ecolinguistically critical discourse analysis.

4. Results

Results obtained from experimental analysis of 274 clauses as the research data indicated relational process has the highest frequency with 107 items. This verifies the claim that relationships have a special place in the texts of nature schools. Results obtained from interpersonal analysis shows non-mentioned subject has the highest frequency, indicating the authors of nature school texts pay less attention to interaction and only play an informative role. The next case is positive polarity, which has the highest frequency with 201 cases, and shows that the author has presented his views with determination in most of his texts. The statement with a frequency of 228 is in the first place and shows the authors interest to give too informations to the readers. Application of grammatical aspects suggests that the affirmative aspect with a frequency of 215 has the highest frequency. It indicates the author has a high degree of certainty. Results obtained from textual analysis shows the experimental initiator has the highest frequency indicating the authors seek to attract the audience's attention. The promotional perspective of nature schools analysis showed approximately 61% encourages human beings to preserve the environment. Finally, the relationship between man and nature in the studied texts indicates that in approximately 55%, there is a friendly relationship between human and nature.



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۳، ش ۱ (پیاپی ۶۷) فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱، صص ۹۹-۱۲۷

مقاله پژوهشی

<http://dori.net/dor/20.1001.1.23223081.1400.12.6.1.7>

تحلیل گفتمان انتقادی متون تبلیغاتی مدارس طبیعت:

با رویکرد زبان‌شناسی زیست‌محیطی

صدیقه‌سادات مقداری^{۱*}، معصومه یوسفی^۲

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲

چکیده

این مقاله برآن است تا با رویکرد زبان‌شناسی زیست‌محیطی، به تحلیل انتقادی متون تبلیغاتی مدارس طبیعت بپردازد. روش به‌کار رفته در این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و متون تبلیغاتی مدارس طبیعت را به‌منزله داده‌های خود برگزیده است. داده‌ها از طریق کانال‌های تلگرامی مدارس طبیعت، طی سه سال (۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) جمع‌آوری شده‌اند. این متون غالباً برگرفته از وهاب‌زاده (۱۳۹۲، ۱۳۹۵) هستند. درنهایت تعداد ۴۵ متن گفتمان مدار انتخاب شده است که درمجموع از ۲۷۴ بندجمله تشکیل شده‌اند، و هر بند جمله به شیوه دستور نقشی - نظام‌مند هیلدی و از منظر فرانقش‌های تجربی، بینافردی، و متنی و درنهایت با رویکرد زیست‌محیطی مورد تحلیل قرار گرفت. مسئله پژوهش این است که متون تبلیغاتی مدارس طبیعت چه دیدگاهی را نسبت به محیط زیست ترویج می‌دهند. هدف این بررسی یافتن رابطه انسان و محیط زیست در مدارس طبیعت و پی بردن به دیدگاه و نگرش این مدارس است. نتایج حاکی از این است که محتوای ۱۶۸ بند یعنی تقریباً ۶۱ درصد بندها، انسان را به حفظ محیط زیست و استفاده صحیح از طبیعت تشویق می‌کند و در ۱۴۹ مورد، یعنی تقریباً ۵۵ درصد، رابطه دوستانه انسان و طبیعت یا طبیعت دوستی وجود دارد. درنتیجه این مدارس در تغییر نگرش انسان نسبت به محیط زیست نقش اساسی دارند و کودکان را به حفاظت از طبیعت سوق می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی زیست‌محیطی، تحلیل گفتمان انتقادی، مدارس طبیعت، دستور نقشی - نظام‌مند.

۱. مقدمه

عصر حاضر علی‌رغم پیشرفت در علم و تکنولوژی، عصر بحران برای طبیعت به‌شمار می‌رود؛ بحران‌های محیط زیست حاصل تفکر و اندیشه‌ای است که انسان را در محور و رأس جهان خلقت می‌بیند و همه چیز را برای او و در رابطه با نیازهای او تعریف می‌کند. یکی از نظریات مهم زبان‌شناسی زیست‌محیطی^۱ نقش زبان در ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی است. زبان‌شناسی زیست‌محیطی به زبان ساده عبارت است از نقد اشکالی از زبان که به تخریب محیط زیست دامن می‌زنند و کمک به جست‌وجوی اشکال جدیدی از زبان که افراد را به حفاظت از محیط زیست ترغیب می‌کنند.

در این تحقیق تلاش شده است متون مدارس طبیعت^۲ از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی^۳ تحلیل شوند و با محوریت زبان‌شناسی زیست‌محیطی مورد نقد و بررسی قرار گیرند. هدف این بررسی یافتن رابطه انسان و محیط زیست در مدارس طبیعت و پی بردن به دیدگاه و نگرش این مدارس است. سؤالات پژوهش این است که متون تبلیغاتی^۴ مدارس طبیعت چه دیدگاهی را نسبت به محیط زیست ترویج می‌دهند؟ رابطه انسان و طبیعت در متون تبلیغاتی مدارس طبیعت به چه صورت است؟ مدارس طبیعت در تغییر نگرش نسبت به محیط زیست چه نقشی دارند؟ در این پژوهش متون تبلیغاتی مدارس طبیعت، با استفاده از فنون و ابزارهای زبان شناختی در چارچوب نظریه نقشی - نظام‌مند هلیدی^۵ (2004)، و از منظر تحلیل گفتمان انتقادی زیست‌محیطی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی شدند. تحلیل انتقادی متون می‌تواند دیدگاه‌های ایدئولوژیک موجود در آن‌ها را نیز آشکار کند. بنابراین مهم‌ترین گفتمان‌هایی که باید در برابر آن‌ها مقاومت کرد گفتمان‌هایی است که ایدئولوژی‌ها^۶ ایشان در تخریب محیط زیست نقش دارند. یکی از این گفتمان‌ها می‌تواند گفتمان تبلیغاتی باشد. بدین منظور متون تبلیغاتی این مدارس طی سه سال گذشته جمع‌آوری و تحلیل شدند تا درنهایت به این سؤال کلی پاسخ دهیم که مدارس طبیعت چه دیدگاهی را در ارتباط با طبیعت ترویج می‌دهند؟ از آنجا که امروزه تعداد زیادی مدرسه طبیعت در ایران وجود دارد سه مدرسه طبیعت زبر شهر قاین، کاوی‌کنج مشهد و باغ تهران درنظر گرفته شدند. در این تحقیق نمونه‌گیری مبتنی بر هدف است، پس گفتمان‌هایی وارد نمونه شدند که

پیرامون محیط زیست و رابطه انسان و محیط بودند. داده‌ها از طریق کانال‌های تلگرافی مدارس طبیعت، طی سه سال (۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) جمع‌آوری شده‌اند. در نهایت تعداد ۴۵ متن گفتمان مدار انتخاب شده است، که در مجموع از ۲۷۴ بند جمله تشکیل شده‌اند، و هر بند جمله به شیوه دستور نقش‌گرایی هلیدی و از منظر فرانقش‌های تجربی^۷، بینا فردی^۸، و متنی^۹ و در نهایت با رویکرد زیست‌محیطی مورد تحلیل قرار گرفتند.

۲. پیشینه پژوهش

در حال حاضر کتاب زبان‌شناسی زیست‌محیطی نوشته آقاگل‌زاده (۱۳۹۵) جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب در ایران درباره موضوع زبان‌شناسی زیست‌محیطی است. در این کتاب داستان‌ها یا الگوهای ذهنی معرفی شده است اینکه ما در میان آن داستان‌ها زندگی می‌کنیم^{۱۰}، این داستان‌ها عمیقاً در ذهن افراد در سراسر یک جامعه نفوذ کرده است و تنها به‌طور غیرمستقیم در میان گفتمان‌هایی که در آن جامعه در جریان هستند پدیدار می‌شوند. در زمینه مدارس طبیعت در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی یا زبان‌شناسی زیست‌محیطی طی بررسی‌های این‌جانب موردی در ایران یافت نشد و از این نظر موضوع موردبررسی دارای تازگی است. موارد زیر نیز ازجمله تحقیقاتی است که در قالب مقاله یا پایان‌نامه انجام شده است:

شاه ناصری (۱۳۸۸) نارسایی‌های زبان علم را در نمود پدیده‌ها و وقایع زیست‌محیطی در دو سطح واژگانی و دستوری مورد تحلیل قرار داده است. میبودی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که به مفاهیم زیست‌محیطی در بین نقاشی‌های دیواری مهدکودک‌ها کم‌توجهی شده است. قطره و همکاران (۱۳۹۴) اذعان می‌دارند که باور زبان‌شناسان زیست‌محیطی بر ارتباط تنگاتنگ زبان با جهان و محیط اطراف است؛ ملکی و همکاران (۱۳۹۵) به معرفی گونه‌شناسی گفتمان‌های محیط‌زیستی در مذاکرات مجلس شورای اسلامی پرداختند. میرسعیدی (۱۳۹۵) نشان داد که نوع زبان شعر، به‌ویژه اشعاری که دارای صنعت‌های استعاره و شخصیت‌پردازی هستند، می‌تواند به‌منزله الگویی به‌منظور تبدیل زبان فارسی به زبانی سبز که در ارتباطی مثبت و سازنده با محیط زیست قرار دارد، در نظر گرفته شود. پژوهش غیاثیان و شیرینی (۱۳۹۵)، رمزگشایی از انسان‌مداری نهادینه شده در فرهنگ فارسی زبان‌ها، آگاهی‌بخشی در مورد اهمیت گونه‌های

زیستی و ضرورت به‌روزرسانی تعاریف حیوانات به‌منظور بازتاب دغدغه‌های زیستی است. راکعی و نعیمی (۱۳۹۵)، از منظر نقد ادبی تأثیری را که محیط زیست بر نوع نگاه و طرز فکر نویسندگان اقلیم‌های مختلف می‌گذارد بررسی می‌کنند. خیرآبادی (۱۳۹۷) نظرات خوانندگان یک وب‌سایت خبری در حوزه محیط زیست را بررسی کرده و اذعان می‌دارد که این نظرات از نوعی ناآگاهی و بی‌تفاوتی نسبت به تخریب محیط زیست به‌سمت نوعی مسئولیت‌پذیری و نگرانی عمیق اجتماعی تغییر یافته است.

مشتاق مهر و فیضی (۱۳۹۷) بر این باورند که زبان عرفان قادر است الگوهایی ارائه کند که با ترویج آن‌ها، زیرساخت‌های فکری و فرهنگی مردم نسبت به محیط زیست در جهت مثبت دگرگون شود.

الکساندر و استیبی^{۱۱} (2013) به عوامل نظری زبان‌شناسی زیست‌محیطی پرداخته‌اند. این مقاله تحلیل گفتمان زیست‌محیطی را دستاورد اصلی زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌داند و آن را در مقابل «تحلیل زیست‌محیطی گفتمان» و «بوم‌شناسی»^{۱۲} قرار می‌دهد. بنگ و ترامپ^{۱۳} (2014) نشان می‌دهند اگر قرار است جهان به‌صورت مداوم رشد کند، هم تغییر زیست‌محیطی در زبان‌شناسی، و هم تغییر زبانی در علوم محیطی لازم است. هونوریو دو کوتو^{۱۴} (2014) ایده‌های همبولت^{۱۵}، تحقیقات مربوط به لهجه‌شناسی و جغرافیای زبان، معناشناسی عمومی، فرضیه‌سایپر و ورف^{۱۶} و ایده‌های زیست‌شناسی وینوم^{۱۷} (1971) را پیش درآمدی بر زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌داند. الیسون^{۱۸} (2015)، پیش‌زمینه‌های برنامه‌بوم‌شناسی - زبان‌شناسی هاگن و تأثیرات میان‌رشته‌ای بر دستاورد او را بررسی و به برخی از مشکلات تئوری و مفهومی آن اشاره می‌کند. کراوچنکو^{۱۹} (2016) به تعریف زبان و بوم‌شناسی و زبان‌شناسی زیست‌محیطی از دیدگاه زبان‌شناسان زیست‌محیطی و زیست‌شناختی پرداخته است. چن^{۲۰} (2016) مقاله خود با عنوان «زبان و محیط زیست» را اولین تحلیل کمی زبان‌شناسی زیست‌محیطی از نگاه انتشارات ژورنالی می‌داند. وی در مجموع ۷۶ ژورنال زبان‌شناسی زیست‌محیطی بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۵ را بررسی کرده است. ون‌یوان^{۲۱} (2017) توضیح می‌دهد که زبان‌شناسی زیست‌محیطی با اتخاذ دیدگاه هماهنگی از زبان، ذهن و جهان می‌تواند به‌صورت موزون و هماهنگ در آینده، جزئی از علوم زندگی شود.

۳. چارچوب نظری

مسائل محیط زیست از موضوعات اصلی و مهم اجتماعی - انسانی هر جامعه‌ای می‌باشد و در زبان‌شناسی کاربردی، مطالعه و ارائه راهحل برای مسائل و مشکلات جامعه از نوع زبان اهمیت دارد. همچنین از طریق راهکار انگاره‌های مفهومی و استعاره‌شناختی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان سبب شکل‌گیری، ترویج و بسط نگاه انتقادی و ارتقای جامعه و مردم شد که نتیجه آن سبب تغییر در سوء نگرش و رفتار انسان‌ها نسبت به تخریب محیط زیست می‌شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۷، به نقل از استیبی، ۲۰۱۵). در ادامه چارچوب نظری تحقیق یعنی زبان‌شناسی زیست‌محیطی انتقادی مطرح می‌شود. در این پژوهش از رویکرد نظام‌مند نقشی هایدی به‌منزله ابزار فنی تحلیل استفاده شده است.

۱-۳. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی بر این عقیده استوار است که ساختارها، روابط و هویت اجتماعی و گروهی افراد تا حدودی ماهیت و طبیعت گفتمانی و زبانی دارد و هدف تحلیل گفتمان انتقادی آشکار کردن روابط پنهان گفتمان قدرت و ساختارهای اجتماعی است. هدف تحلیل گفتمان انتقادی آشکار ساختن ایدئولوژی نهفته در متن است (حسین‌زاده، ۱۳۸۸). در تحلیل‌های با رویکرد زبان‌شناسی زیست‌محیطی پرسشی که در برابر ایدئولوژی مطرح می‌شود این نیست که آیا این ایدئولوژی درست است یا خیر، بلکه این است که آیا این ایدئولوژی خاص، مردم را به حفظ و نگهداری اکوسیستم‌های حمایت‌کننده زندگی تشویق می‌کند یا به تخریب آن منجر می‌شود؟ کاری که زبان‌شناس زیست‌محیطی انجام می‌دهد تشخیص سازگاری یا عدم سازگاری یک ایدئولوژی خاص با فلسفه زیست‌محیطی است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۴۵ به نقل از استیبی، ۲۰۱۵). فلسفه زیست‌محیطی این تحقیق تلاشی است برای کاهش دیدگاه انسان‌محوری و سوءاستفاده از طبیعت و منابع طبیعی در مسیر پیشرفت انسان، داستانی که باعث می‌شود انسان و محیط زیست در کنار هم قرار بگیرند.

۲-۳. زبان‌شناسی زیست‌محیطی

آقاگل‌زاده (۱۳۹۷) زبان‌شناسی زیست‌محیطی را حوزه‌ای میان‌رشته‌ای می‌داند که از یک طرف با زبان و از طرف دیگر با مسائل محیط زیست ارتباط پیدا می‌کند. در این دانش، به اصطلاح زبان‌شناسی میزبان است و محیط زیست مهمان؛ و این دو با هم می‌توانند در خدمت حل معضلات و مشکلاتی از قبیل آلودگی هوا، فضا، دریا و هر آنچه به نوعی محیط زیست را تهدید می‌کند باشند. زبان‌شناسی زیست‌محیطی ترکیب زبان‌شناسی و بوم‌شناسی است و رشته‌ای که در نگاه اول ظاهراً نامرتب‌بند است. اگر بوم‌شناسی را «مطالعه روابط ارگانیسم‌ها با هم و با محیط فیزیکی» و زبان‌شناسی را «مطالعه زبان» در نظر بگیریم، زبان‌شناسی زیست‌محیطی عبارت است از مطالعه اثر زبان روی تداوم زندگی در میان انسان‌ها، دیگر ارگانیسم‌ها و محیط فیزیکی، که در جهت حفظ روابط برای بقای زندگی است. به عبارت دیگر چگونه زبان در شکل دادن، حفظ کردن، تأثیر گذاشتن یا نابود کردن روابط بین انسان‌ها، دیگر فرم‌های زندگی و محیط دخالت دارد (Alexander & Stibbe, 2013). لی‌واسور^{۲۲} (2015) سه شیوه نظری مرتبط با هم و در عین حال متمایز در زبان‌شناسی زیست‌محیطی را نام می‌برد: «سنت هاگنی»^{۲۳}، «سنت زبان‌شناسی زیستی»^{۲۴} و «سنت هلیدی». هلیدی رشته زبان‌شناسی زیست‌محیطی را با بررسی جنبه‌های گرامری آغاز کرد و روشی کاربردی برای تحقیق زبان در پیش گرفت. مقاله هلیدی (۱۹۹۳) «روش‌های نوین معناشناختی و چالش‌های زبان‌شناسی کاربردی» عامل گسترش بیش‌ازپیش رویکرد انتقادی در زبان‌شناسی زیست‌محیطی شد. در رویکرد وی رابطه زبان و محیط از دیدگاه زیست‌شناختی بیان شده است و نقش زبان در توسعه و افزایش مشکلات محیطی مورد تحقیق قرار گرفته و تحقیقات زبان‌شناختی به‌منزله عامل مؤثر در حل آن‌ها تلقی شده است.

۳-۳. دستور نقشی - نظام‌مند هلیدی

از نظر هلیدی زبان، نظام معانی همراه با صورت‌هایی است که از طریق آن صورت‌ها، معانی تشخیص داده می‌شوند. هلیدی در نیمه دوم قرن بیستم شاخه‌ای از نقش‌گرایی با عنوان «دستور نقشی - نظام‌مند» را معرفی کرد. زبان‌شناسی نقشی - نظام‌مند رویکردی است که

زبان را در بافت اجتماعی آن مورد بررسی قرار می‌دهد و بیشتر به منزله ابزار تعامل اجتماعی به آن می‌نگرد نه یک نظام شناختی که می‌تواند جدا از بافت اجتماعی بررسی شود. هلیدی (۱۹۷۰) سه سطح معنا را در نظریه خود مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: فرانقش اندیشگانی یا تجربی، فرانقش بینافردی و فرانقش متنی؛ بدین معنی که در بررسی معنای تجربی به بررسی نقش زبان در بازنمود واقعیت پرداخته می‌شود، در بررسی معنای بینافردی به نقش زبان در تعامل بین افراد، و در معنای متنی به نقش زبان در پیوند با بافت خود پرداخته می‌شود؛ وی اعتقاد دارد کودک در جریان زبان‌آموزی به تدریج هریک از این فرانقش‌ها را می‌آموزد و رفته رفته گفتار خود را به گفتار بزرگسالان نزدیک می‌کند.

۱-۳-۳. تحلیل متون از منظر فرانقش تجربی

فرانقش تجربی از سه عنصر فرایند، مشارک^{۲۰} در فرایند، و عناصر پیرامونی^{۲۱} تشکیل شده است.

۱-۳-۳-۱. فرایند و مشارک در فرایند

فرایندها معمولاً به وسیله گروه فعلی بیان می‌شوند. شرکت‌کننده دخیل در فرایند فاعل است، این شرکت‌کننده را مشارک اصلی گویند. اما فرایندهای مادی معلوم (و نه مجهول) می‌توانند مشارک دوم هم داشته باشند. این مشارک فرعی، مفعول در جملات معلوم است که ارتباط مستقیم با فعل ندارد. شرکت‌کننده در فرایند با توجه به نوع فرایند، می‌تواند کنش‌گر^{۲۲} و کنش‌پذیر، حس‌گر^{۲۳} و پدیده^{۲۴}، حامل^{۲۵} و شاخص^{۲۶}، شناخته^{۲۷} و شناسا^{۲۸}، گوینده و مخاطب، رفتارگر^{۲۹} و موجود^{۳۰} باشد.

۱-۳-۳-۲. تحلیل متون از منظر فرانقش بینافردی

در فرانقش بینافردی بند از تعامل گوینده یا نویسنده با مخاطب شکل می‌گیرد و هر یک نقش خاصی را ایفا می‌کنند. برای مثال در طرح یک سؤال، گوینده نقش فردی را دارد که به دنبال کسب اطلاعات است و شنونده نقش فردی را دارد که اطلاعات خواسته شده را باید گزارش دهد (Halliday & Matthiessen, 2004, pp.106-107). در این فرانقش جمله به دو بخش وجه^{۳۱} و مانده^{۳۲} تقسیم می‌شود.

۱-۲-۳. وجه

عنصر وجه مسئولیت بند را به عنوان رخداد تعاملی به دوش می کشد. در تعریف سنتی وجه را این گونه تعریف می کنند: فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن که خبری را برساند، یا وقوع حالت آن را با احتمال یا شرط آن همراه کند، یا فرمانی را برساند، یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به شمار می آورند.

۲-۲-۳. فاعل و قطبیت

فاعل یا کنشگر به سه بخش گوینده (نویسنده)، خواننده (مخاطب)، و غایب تقسیم می شود. قطبیت^{۳۸} جمله بیانگر آن است که جمله مثبت، منفی، یا وجه نداشت.

۳-۲-۳. زمان، نوع جمله

در این پژوهش سه زمان گذشته، حال و آینده مورد بررسی قرار گرفت. هلیدی و متیسن (2004, pp.107-108) براساس عرضه و تقاضا، جملات را به چهار نوع خبری، پرسشی، امری، و پیشنهادی تقسیم کردند.

۴-۳. تحلیل متون از منظر فرانقش متنی

فرانقش متنی با ساخت متن سروکار و نقشی تسهیل کننده برای بیان دو فرانقش قبلی دارد (فلاح و شفیع پور، ۱۳۹۸) و نشان می دهد چگونه آنچه می گوئیم یا آنچه قبلاً گفته ایم با بافت پیرامون مرتبط است. ساخت متنی به دو ساخت متمایز «آغازگر - پایان بخش»^{۳۹} و «اطلاعی»^{۴۰} و یک بخش غیرساختاری «انسجام»^{۴۱} تقسیم می شود (Halliday & Matthiessen, 2004, p.579). آغازگر متن شامل آغازگر تجربی و هر آنچه قبل از آن قرار دارد است.

۴. تحلیل داده ها

در این بخش فرانقش های تجربی، بینافردی و متنی را در بندجمله های هر متن بررسی و در آخر با نگاهی زیست محیطی متن را تحلیل می کنیم. دو مثال از نمونه های بررسی شده ذکر می شوند:

۱. «در باغ طبیعت قوانین حکومت نمی‌کنند! این کودکان هستند که قانون می‌سازند و پادشاهی می‌کنند. در اینجا قانون خاصی نیست! در و دیوار محدودی ندارد، کودکان رها در طبیعت هستند چون ذاتشان گرایش به طبیعت دارد، آن‌ها از آب بازی نمی‌ترسند...».

از منظر فرانقش تجربی

در فرانقش تجربی فرایندها در قالب گروه‌های فعلی بازنمایی می‌شوند. این متن ۹ بند دارد. «حکومت کردن»، «ساختن»، «پادشاهی کردن»: فرایند مادی هستند؛ «ترسیدن»: رفتاری و؛ «گرایش داشتن»: فرایند ذهنی است؛ «هست»، «داشتن»: فرایند رابطه‌ای هستند؛ «نیست» در بند ۵ به معنی وجود نداشتن، و فرایند وجودی است.

در بند ۱، «قوانین»: کنش‌گر؛ در بند ۳، کنش‌گر محذوف؛ «قانون»: هدف؛ در بند ۴، کنش‌گر محذوف؛ در بند ۵، «این‌جا»: عنصر موقعیتی؛ «قانون»: موجود؛ در بند ۶، «در و دیوار»: شناسا؛ در بند ۷، «کودکان»: حامل؛ «رها»: شاخص؛ در بند ۸، «ذاتشان»: حس‌گر؛ در بند ۹، «آن‌ها»: صاحب رفتار؛

در این متن فرایند مادی و رابطه‌ای بیشتر به‌کار رفته است، نگارنده متن با استفاده از فرانقش تجربی و فرایند مادی بیشتر به انتقال مفاهیم کنشی و عینی پرداخته است. در بند سه و چهار کودک به‌منزله کنش‌گری است که فرایندهای مادی را انجام می‌دهد مثل «ساختن قوانین» و «پادشاهی کردن»؛ و طبیعت چیزی است که از این رویداد تأثیر می‌پذیرد. همچنین با کاربرد فرایندهای رابطه‌ای، ویژگی موقعیت‌های مختلف را به مشارکان در فرایندها نسبت داده است. «رها بودن»، و «گرایش به طبیعت»، ویژگی‌هایی است که به کودکان نسبت داده شده است. «رها بودن» در طبیعت این ذهنیت را ایجاد می‌کند که انسان (در اینجا کودک) می‌تواند هر کاری در طبیعت انجام دهد و هرگونه تجربه‌ای کسب کند، خواه این تجربه به‌نفع طبیعت باشد خواه به ضرر آن. اما فرایند «گرایش به طبیعت» اندکی از این بار منفی کم می‌کند، ولی می‌توان این تصور را هم داشت که کودکان به این دلیل به طبیعت گرایش دارند که به آن نیاز دارند و می‌خواهند از آن به‌نفع خود استفاده کنند.

از منظر فرانقش بینافردی

در بند ۱ و ۵ و ۹، فاعل، غایب و قطبیت، منفی؛ در بند ۲ و ۷ و ۸، فاعل، غایب و قطبیت، مثبت؛ در بند ۳ و ۴، فاعل، غایب و محذوف؛ قطبیت، مثبت؛ در بند ۶، فاعل، غایب و محذوف؛

قطبیت، منفی است. در تمام بندهای این متن زمان: حال؛ جمله: خبری؛ و وجه: اخباری است. به کار بردن جملات خبری در متن بالا اقتدار گوینده یا نویسنده را نشان می‌دهد که به دنبال ارائه اطلاعات است. کاربرد فراوان وجه خبری حاکی از این است که در متن مورد بررسی افعالی به کار رفته است که وقوع یا عدم وقوع آن‌ها حتمی است و از درجه قطبیت بالایی برخوردار است. متن دارای اعتبار است چون قطبیت مثبت یا منفی دارد و از وجه‌نمایی استفاده نشده است. فاعل غایب بیانگر این است که نگارنده متن صرفاً نقش اطلاع‌رسان را ایفا می‌کند و مخاطب می‌بایست قبل از تجزیه و تحلیل اطلاعات آن‌ها را بپذیرد. بندهای این متن، «نبودن قانون در مدارس»، «آزاد بودن کودکان»، «ساخت قوانین توسط کودکان»، را می‌رساند و بیانگر این است که در مدارس طبیعت انسان محوری حاکم است و طبیعت به نوعی مورد سوء استفاده قرار گرفته است، انسان به هرگونه که تمایل داشته باشد می‌تواند از طبیعت بهره‌برد و اگر قوانین طبیعت خلاف میل او بود آن را زیر پا بگذارد و قانون جدیدی بنویسد. با توجه به این متن، دیدگاه مدارس طبیعت نسبت به طبیعت، استفاده و بهره‌برداری از آن به نفع انسان و در جهت رفاه انسان است، انسان در رأس توجه و اهمیت قرار دارد و طبیعت ابزاری برای رسیدن انسان به خواسته‌هایش است.

از منظر فرانش متنی

در بند ۱، «در باغ طبیعت»: عنصر پیرامونی و آغازگر تجربی؛ در بند ۲، «این کودکان»: آغازگر تجربی است؛ در بند ۳ و ۴، «که» و «و» آغازگر ربطی و متنی که باعث انسجام میان بندها می‌شود. در بند ۵، «در این‌جا»، عنصر موقعیتی و آغازگر تجربی است. در بند ۶، «در و دیوار»، آغازگر تجربی؛ در بند ۷، «کودکان» هم نهاد و هم آغازگر است؛ در بند ۸، «چون» آغازگر متنی است و رابطه منطقی بین بند هفت و هشت ایجاد می‌کند؛ در بند ۹، «آن‌ها» هم نهاد و هم آغازگر است. در بیشتر بندهای متن آغازگر تجربی به کار رفته است؛ یعنی فاعل به منزله مشارک فعال در فرایند است. در بند اول نویسنده، قید «در باغ طبیعت» را به عنوان آغازگر جمله خود در نظر گرفته است که اهمیت او به این مکان را می‌رساند. نویسنده در ادامه، بند دوم را با «این کودکان»، آغاز کرده است که نشان می‌دهد برای این گروه سنی نیز اهمیت قائل است و توجه خود را با تکرار در دو بند دیگر متن به حداکثر رسانده است. در بند سه و چهار و هفت آغازگر متنی به کار رفته است که رابطه منطقی و معنایی با بند قبلی ایجاد

می‌کند و به خواننده در درک بهتر متن کمک می‌کند.

۱- «کودکان می‌باید با همه حیوانات از کرم خاکی تا حشرات و حیوانات کوچک و بزرگ اهلی همدم باشند و آن‌ها را بشناسند و لمس کنند، اگر قرار است در بزرگسالی محافظ و مدافع آن‌ها باشند و رابطه انسان و طبیعت از جنس عشق و مراقبت باشد».

از منظر تجربی

شش بند دارد. «بودن»: فرایند رابطه‌ای؛ «لمس کردن»: فرایند رفتاری و؛ «شناختن»: ذهنی است. در بند ۱، «کودکان»: حامل؛ «همدم»: شاخص؛ در بند ۲، حس‌گر محذوف است؛ در بند ۳، رفتارگر محذوف است؛ در بند ۵، «محافظ و مدافع»: شاخص است؛ در بند آخر، «رابطه انسان و طبیعت»: حامل؛ «عشق و مراقبت»: شاخص است؛ در بند اول ویژگی «همدم» به «کودکان» نسبت داده شده است، واژه «همدم» یعنی ارتباط نزدیک میان دو چیز، پس نویسنده به ارتباط نزدیک میان «کودکان» و «حیوانات» اهمیت داده است. ویژگی «عشق و مراقبت» به «رابطه انسان و طبیعت» نسبت داده شده است و نشان از دید مثبت نویسنده به این رابطه دارد.

از منظر بینافردی

در بند ۱، فاعل: غایب؛ وجه: التزامی؛ جمله: امری و دارای وجه‌نمایی است؛ در بند ۲، فاعل: غایب؛ وجه: خبری؛ جمله: خبری؛ قطبیت: مثبت؛ در بند ۳ و ۶ و ۷، فاعل: غایب؛ وجه: خبری؛ جمله: خبری؛ قطبیت: مثبت؛ در بند ۴، فاعل: غایب؛ وجه: التزامی؛ جمله: خبری و دارای وجه‌نمایی است؛ در بند ۵، فاعل: غایب؛ وجه: خبری؛ جمله: خبری؛ قطبیت: مثبت؛ زمان در تمام بندها حال است.

فاعل غایب نشان از این دارد که نویسنده بدون توجه به مخاطب، فقط اطلاعاتی را ارائه می‌کند پس تعامل یک‌سویه در متن برقرار است. «می‌باید» در بند اول وجه الزام‌آور است و نگرش تردیدآمیز نویسنده را نشان می‌دهد. بقیه جملات دارای اعتبار و قطعیت لازم‌اند.

از منظر متنی

بند ۱، «کودکان»: مبتدا و آغازگر تجربی؛ بند ۲ و ۳ و ۶، «و»: آغازگر متنی؛ بند ۴، «اگر»: آغازگر متنی؛ بند ۵، «در بزرگسالی»: آغازگر تجربی؛

«کودکان» به‌منزله آغازگر جمله و متن توجه و اهمیت نویسنده را می‌رساند و چون در جایگاه مبتدا به کار رفته است پس در خبر، یعنی ادامه مبتدا، توضیحات مربوط به کودکان

ارائه خواهد شد. این ساختار گوینده محور است. در بند دوم «با همه حیوانات» آغازگر جمله است که توجه نویسنده به این گروه از موجودات را نشان می دهد، حیوانات در این بند اطلاع نو است و در ادامه پیوستاری مربوط به آن ارائه شده است. «آنها» در بند سوم اطلاع کهنه است و خواننده را همچنان درگیر موضوع نگه می دارد. در بندهایی که با حرف ربط «و» آغاز شده اند انسجام معنایی با بند قبلی برقرار است. «رابطه انسان و طبیعت» به منزله آغازگر تجربی در بند آخر برجسته شده و بیانگر اهمیت موضوع از سوی نویسنده است.

۵. بحث و نتیجه گیری

۵.۱. نتایج تحلیل فرانشها

در این پژوهش ۴۵ متن مورد بررسی قرار گرفتند. طبق بررسی ها، ۱۵ متن مدرسه زیر، از ۷۴ بند، ۱۵ متن مدرسه باغ، از ۹۵ بند، و ۱۵ متن مدرسه کاوی کنج، از ۱۰۵ بند تشکیل شده اند. در مجموع ۲۷۴ بند، از منظر فرانش های تجربی، بینا فردی، بررسی شد. به طور کلی آنچه از تحلیل داده ها می توان استنباط کرد به قرار زیر است:

۱- از منظر فرانش تجربی، فرایندها و مشارکان در فرایند تجزیه و تحلیل شدند.

جدول ۱: نتایج به دست آمده از تحلیل تجربی داده های تحقیق

Table 1: Results obtained from experimental analysis of research data

تعداد کل بندها: ۲۷۴						
مادی	ذهنی	رابطه ای	رفتاری	بیانی	وجودی	
۹۱	۲۷	۱۰۷	۳۶	۴	۹	فراوانی
۳۳/۲۱	۹/۸۵	۳۹/۰۵	۱۳/۱۳	۱/۴۵	۳/۲۸	درصد

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، تعداد کل فرایندهای مورد بررسی در متون مدارس طبیعت ۲۷۴ مورد بوده است که از این تعداد بیشترین فرایند، مربوط به فرایند رابطه ای است که ۱۰۷ مورد است. این امر شاهی بر این مدعاست که در متون مدارس طبیعت، روابط جایگاه ویژه ای دارد و ویژگی موقعیت های مختلف به مشارکان در فرایندها نسبت داده شده است.

جدول ۲: نتایج به دست آمده از تحلیل بینافردي داده‌های تحقيق

تعداد کل بندها: ۲۷۴													
گزینه یا نویسنده	مخاطب	غایب	حال	زمان		قطبیت			بند				
				گذشته	آینده	مثبت	منفی	وجه- نمایی	خبری	پرسشی	امری	پیشنها	
راوانی	۳۱	۱۵	۲۲۸	۲۴۶	۱۷	۱۱	۲۰۱	۲۳	۵۰	۲۲۶	۱۱	۱۴	۲۳
رصد	۱۱/۳۱	۵/۴۷	۸۳/۲۱	۸۹/۷۸	۶/۲۰	۴/۰۱	۷۳/۳۵	۸/۳۹	۱۸/۲۴	۸۲/۴۸	۴/۰۱	۵/۱۰	۸/۳۹

براساس داده‌های مندرج در جدول ۲، تعداد کل بندهای موردبررسی ۲۷۶ مورد بوده است که در هر یک، عناصر نهاد به‌صورت گوییده، مخاطب و غایب؛ زمان به صورت حال، گذشته و آینده؛ قطبیت مثبت یا منفی، وجه‌نمایی؛ و نوع جمله به لحاظ خبری، پرسشی، امری و پیشنهادی مشخص شدند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود نهاد غایب بیشترین بسامد را داراست. این نشان می‌دهد که نویسندگان متون مدارس طبیعت کم‌تر به تعامل و ارتباط با مخاطب اهمیت می‌دهند و صرفاً نقش اطلاع‌رسان را ایفا می‌کنند. مورد بعدی قطبیت مثبت است که با ۲۰۱ مورد بیشترین بسامد را دارد و نشان می‌دهد نویسنده در بیشتر متون خود با قاطعیت به ارائه مطالب پرداخته است. وجه‌نمایی نیز با ۵۰ مورد در این متون مشاهده شد که اندکی اعتبار متن‌ها را زیر سؤال می‌برد. مورد بعدی زمان حال است که با فراوانی ۲۲۸ بیشترین بسامد را داراست، دلیل آن هم بی‌نشان بودن این ساختار است. مورد آخر، نوع جمله است که جمله خبری با فراوانی ۲۲۶ در جایگاه نخست قرار

دارد. بسامد بالای جملات خبری نشان‌دهنده این است که نویسنده با اقتدار، و بدون توجه به مخاطب فقط به ارائه اطلاعات می‌پردازد و مخاطب نیز فقط آن‌ها را دریافت می‌کند بدون اینکه مستقیماً با موضوع درگیر شود و آن‌ها را با منطق خود بررسی کند.

۳- در این پژوهش سه وجه خبری، التزامی، و امری مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۳: کاربرد انواع وجه در داده‌های تحقیق

Table 3: Application of grammatical aspects in research data

تعداد کل بندها: ۲۷۴			
وجه خبری	وجه التزامی	وجه امری	
۲۱۵	۵۱	۸	فراوانی
۷۸/۴۶	۱۸/۶۱	۲/۹۱	درصد

براساس داده‌های مندرج در جدول ۳، وجه خبری با فراوانی ۲۱۵، بیشترین بسامد را دارد. کاربرد بالای وجه خبری نشان می‌دهد نویسنده از افعالی استفاده کرده است که وقوع یا عدم وقوع آن‌ها حتمی بوده و از درجه قطعیت بالایی برخوردار است.

۴- از منظر فرانقش متنی، آغازگر تجربی، آغازگر بینافردی و آغازگر متنی موردتجزیه و تحلیل قرار گرفتند، البته در آغازگرهای مرکب، فقط آغازگرهای ابتدای بند بررسی شدند؛ یعنی برای هر بند فقط یک آغازگر تحلیل و از بررسی آغازگر دوم صرف‌نظر شد.

جدول ۴: نتایج به‌دست آمده از تحلیل متنی داده‌های تحقیق

Table 4: Results obtained from textual analysis of research data

تعداد کل بندها: ۲۷۴			
آغازگر تجربی	آغازگر بینافردی	آغازگر متنی	
۱۴۶	۱۸	۱۱۰	فراوانی
۵۳/۲۸	۶/۵۶	۴۰/۱۴	درصد

براساس داده‌های مندرج در جدول ۴، کاربرد آغازگر تجربی در متون مدارس طبیعت

بیشترین بسامد را دارد و نشان می‌دهد که نویسندگان این متون، در پی جلب توجه مخاطب هستند و موضوع سخن برایشان خیلی اهمیت دارد. آغازگر متنی با ۱۱۰ مورد در جایگاه بعدی قرار دارد که انسجام معنایی و منطقی میان بندها را نشان می‌دهد. آغازگر بینافردی با ۱۸ مورد کمترین بسامد را دارد و نشان می‌دهد نویسندگان این متون به تعامل توجه کمتری دارند و درمورد مضمون پیام کمتر به قضاوت می‌پردازند و زاویه دید خود را درمورد محتوای پیام نشان نمی‌دهند.

۲-۵. پاسخ به سوالات

۵-۲-۱. متون تبلیغاتی مدارس طبیعت چه دیدگاهی را نسبت به محیط زیست ترویج می‌دهند؟

یافته‌ها نشان داده‌اند که متن با هر موضوعی، به کمک محتوا و عناصر درونی خود و استفاده از زبان بر دیدگاه انسان تأثیر می‌گذارد؛ مدارس طبیعت نیز برای پیش‌برد اهداف خود از متن و زبان استفاده می‌کنند، و با توجه به داده‌های موجود در جدول ۵، از طریق متون آموزشی و تبلیغاتی خود، می‌توانند دیدگاه انسان را نسبت به طبیعت تغییر دهند. با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده بر روی متون این مدارس، که در ادامه نمونه‌هایی از آن ذکر شده است، دیدگاه این مدارس نسبت به محیط زیست می‌تواند مشوق محیط زیست باشد و انسان را برای حفظ و نگهداری آن و آمدن به سمت طبیعت تشویق کند؛ همچنین می‌تواند مخرب باشد و بی‌تفاوتی نسبت به محیط زیست را نشان دهد، یا اینکه انسان را از طبیعت دور کند و برای آن ارزشی قائل نشود یا اینکه استفاده نادرست از طبیعت را ترویج دهد. متون در این پژوهش بند به بند بررسی شده‌اند، و داده‌ها در جدولی با مضمون مخرب برای طبیعت و مشوق طبیعت قرار گرفتند، از آنجا که هر متن بندهایی دارد که هیچ‌گونه دیدگاهی را منتقل نمی‌کند، بنابراین این‌گونه بندها در قسمت سوم جدول با عنوان بند خنثی ذکر شده‌اند.

مثال ۱: «شناختن طبیعت و حفظ آن، شوق‌انگیز، بلکه لازم و حیاتی است». در این بند از فرایند اسم‌سازی استفاده، و «شناختن طبیعت و حفظ آن» برجسته شده است؛ نویسنده در ادامه و در قسمت پایانی بند، امر شناخت را «حیاتی» می‌داند؛ «شناختن» امری مختص انسان است؛ «حیاتی» نیز در فرهنگ فارسی به چیزی اطلاق می‌شود که برای زندگی ضروری است

و نبود آن، برای ادامه حیات انسان خطرناک است، بنابراین در این بند نویسنده «شناختن طبیعت» و حفاظت از آن را برای ادامه زندگی انسان ضروری و واجب می‌داند. پس دیدگاه وی به طبیعت در این بند مشوق طبیعت بوده و انسان را به سمت طبیعت می‌کشانند.

مثال ۲: «بازی با آب یکی از بهترین، اساسی‌ترین و لذت‌بخش‌ترین کارهاست». «بازی با آب» در جایگاه مبتدا و آغازین پیام برجسته شده است، «آب» از عناصر اصلی طبیعت است که ائتلاف آن برای انسان، موجودات زنده، گیاهان و جانوران و به‌طور کلی تمام طبیعت بی‌نهایت مضر است، درحالی‌که نویسنده آن را برجسته کرده است؛ نویسنده در ادامه بند، این امر مضر را «لذت‌بخش» می‌داند به‌گونه‌ای که استفاده نادرست از منابع طبیعت را ترویج می‌دهد، بنابراین دیدگاه وی در این بند مخرب طبیعت و منابع موجود در آن است.

مثال ۳: «و از همین رو احتمال بسیار زیادی وجود دارد». نویسنده در این بند، هیچ‌گونه دیدگاهی نسبت به طبیعت و محیط زیست ترویج نمی‌دهد. درنتیجه چنین بندهایی خنثی در نظر گرفته می‌شوند. نتایج حاصل از بررسی‌ها به قرار زیر است:

جدول ۵: دیدگاه مدارس در متون بررسی‌شده
Table 5: School views in the studied texts

تعداد کل بندها: ۲۷۴			
خنثی	مشوق طبیعت	مخرب برای طبیعت	
۷۸	۱۶۸	۲۸	فراوانی
۲۸/۴۶	۶۱/۳۱	۱۰/۲۱	درصد

داده‌های مندرج در جدول ۵، نشان می‌دهد که از ۲۷۴ بند بررسی‌شده، محتوای ۱۶۸ بند یعنی تقریباً ۶۱ درصد بندها، انسان را به حفظ محیط زیست و استفاده صحیح از طبیعت تشویق می‌کند. محتوای ۷۸ بند، خنثی بوده و هیچ‌گونه دیدگاهی را نشان نمی‌دهد. طبق بررسی‌های انجام‌شده، محتوای ۲۸ مورد از بندها نیز استفاده نادرست از منابع طبیعی و بهره‌برداری از محیط زیست به نفع انسان را ترویج می‌دهد.

۵-۲. رابطه انسان و طبیعت در متون تبلیغاتی مدارس طبیعت به چه صورت است؟

انسان می‌تواند با کار خود بر طبیعت تأثیر بگذارد و به‌طور مرتب و مستمر آن را از نو بسازد و بدین ترتیب طبیعت را در خدمت اراده خود درآورد و از عناصر موجود در آن به‌نفع خود بهره ببرد، و چنین تفکراتی را به نسل بعد از خود نیز منتقل کند. این گونه‌ای انسان‌محوری را نشان می‌دهد. از سویی دیگر می‌توان طبیعت‌محوری را بیان کرد که در این پژوهش به معنای حاکمیت طبیعت بر انسان است، به‌نحوی که سایر موجودات بر انسان‌ها ترجیح داده شده و بهتر انگاشته شوند و انسان از این حاکمیت متضرر شود، که چنین مواردی در داده‌ها مشاهده نشد. مورد بعدی در جدول، تأثیر متقابل انسان و محیط زیست است به صورتی که هر دو از این رابطه بهره می‌برند. در این پژوهش مواردی را که نویسنده، طبیعت را کنش‌گر فرض می‌کند و درواقع طبیعت بر انسان تأثیر می‌گذارد و نویسنده نگاه برتر به طبیعت دارد نیز در ردیف رابطه دوستانه انسان و طبیعت قرار می‌دهیم؛ مثلاً در جمله «طبیعت برای کودک منبع بی‌پایانی از محرک‌ها را فراهم می‌کند»، «طبیعت» در مقام کنش‌گری است که برای کودک «محرک» ایجاد می‌کند، که نگاه برتر به طبیعت را می‌رساند، بنابراین در این بند ضمن اینکه نویسنده به طبیعت اهمیت می‌دهد، اما محتوای جمله به ضرر انسان نیست که بخواهیم آن را جداگانه بررسی کنیم. حال باید دید متون مدارس طبیعت چه تفکراتی را منتقل می‌کنند. بنابراین داده‌ها را در جدولی با عنوان انسان‌محوری و رابطه دوستانه انسان و طبیعت جداسازی کردیم.

مثال ۱: «طبیعت یک سفره گسترده است». در این بند ویژگی «سفره گسترده» به «طبیعت» نسبت داده شده است، استفاده از واژه «سفره» برای طبیعت این مفهوم را تداعی می‌کند که می‌توان از عناصر موجود روی آن برای رفع نیاز استفاده کرد، پس نوعی انسان‌محوری را نشان می‌دهد.

مثال ۲: «این مراقبت طبیعی از حیوانات می‌تواند به مراقبت از محیط آن‌ها منجر شود». «مراقبت از حیوانات» کنش‌گری است که به «مراقبت از محیط آن‌ها» منجر می‌شود. «منجر شدن» یک قطعیت را می‌رساند. این بند نوعی حیوان‌دوستی را منعکس می‌کند که درنهایت به حفظ محیط زیست می‌انجامد و به‌نفع هر دو طرف است.

بندهایی چون «در این فضا هیچ‌کس به کودک آموزش مستقیمی نمی‌دهد» به جهت مشخص نبودن رابطه انسان و محیط زیست در آن‌ها و مرتبط نبودن با موضوع، بررسی نشدند.

جدول ۶: رابطه انسان و طبیعت در متون بررسی شده

Table 6: The relationship between man and nature in the studied texts

تعداد کل بندها: ۲۷۴		
انسان محوری	رابطه دوستانه انسان و طبیعت	
۲۲	۱۴۹	فراوانی
۸/۰۲	۵۴/۳۷	درصد

داده‌های مندرج در جدول ۶ حاکی از این است که در ۲۷۴ بند بررسی شده، در ۱۴۹ مورد، یعنی تقریباً ۵۵ درصد، رابطه دوستانه انسان و طبیعت یا طبیعت دوستی وجود دارد و در ۲۲ مورد از بندها انسان محوری حاکم است؛ ۱۰۳ بند نیز به جهت ارتباط نداشتن به موضوع مورد بحث، در تحلیل‌ها لحاظ نشدند.

۵-۲-۳. نقش مدارس طبیعت در تغییر نگرش نسبت به محیط زیست چیست؟

محیط زیست یعنی تعامل انسان‌ها با سایر انسان‌ها، سایر موجودات، و محیط فیزیکی (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۲۱، به نقل از استیبی، ۲۰۱۵). کار مدارس طبیعت با کودکان است، باتوجه به بررسی‌های انجام شده و طبق گفته وهاب‌زاده (۱۳۹۵)، مؤسس اولین مدرسه طبیعت ایران، کودکان در این دوره چندان به آموزش نیازمند نیستند. در این مدارس مبنای کار، آموزش مستقیم نیست، بلکه امکان یادگیری مهارت‌های زندگی برای کودکان فراهم می‌شود و کودک از طریق حواس پنج‌گانه با محیط ارتباط برقرار می‌کند و از محیط می‌آموزد، تجربه‌های کودکان در این فضا تعامل آزادانه و ملموس با همه عناصر طبیعت از جمله آب، خاک، سنگ، چوب، گیاه و حیوان را دربرمی‌گیرد. کرامپتون^{۴۲} (2010, p.84) شواهد گسترده‌ای را مرور می‌کند مبنی بر اینکه ارزش‌های ذاتی و درونی با نگرش‌ها و رفتارهای طرفدار محیط زیست همسو هستند. بنابراین در این فضا هویت کودک به منزله یک انسان باید طوری شکل بگیرد که باعث احترام به طبیعت و آشتی با طبیعت شود. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در جدول ۵، دیدگاه این مدارس کشاندن انسان به سمت محیط زیست، هم‌زیستی با طبیعت و حفظ عناصر آن است و رابطه دوستانه انسان و طبیعت، عدم آزار حیوانات و آشتی انسان با طبیعت از اهدافشان است. پس می‌توان گفت که این مدارس با

در نظر گرفتن طبیعت به منزله موجود زنده به شکل‌گیری هویت کودکان به عنوان حافظان محیط زیست کمک می‌کنند تا انسان‌هایی آماده به لحاظ ذهنی وارد جامعه شوند که آموزش را بیشتر می‌پذیرند و قدرت خواهند داشت از زمین خود محافظت کنند.

۶. نتیجه

تعداد کل فرایندهای مورد بررسی در متون مدارس طبیعت ۲۷۴ مورد بود. با توجه به داده‌های موجود در جدول ۱، فرایند رابطه‌ای با ۱۰۷ مورد بیشترین بسامد را داشت. این امر شاهدهی بر این مدعاست که در متون مدارس طبیعت، روابط جایگاه ویژه‌ای دارد. طبق جدول ۲، نهاد غایب بیشترین بسامد را داراست، این نشان می‌دهد که نویسندگان متون مدارس طبیعت کمتر به تعامل و ارتباط با مخاطب اهمیت می‌دهند و صرفاً نقش اطلاع‌رسان را ایفا می‌کنند. مورد بعدی قطبیت مثبت است که با ۲۰۱ مورد بیشترین بسامد را دارد و نشان می‌دهد نویسنده در بیشتر متون خود با قاطعیت به ارائه مطالب پرداخته است. مورد بعدی، نوع جمله است که جمله خبری با فراوانی ۲۲۸ در جایگاه نخست قرار دارد و نشان‌دهنده این است که نویسنده با اقتدار، و بدون توجه به مخاطب فقط به ارائه اطلاعات می‌پردازد و مخاطب نیز فقط آن‌ها را دریافت می‌کند بدون اینکه مستقیماً با موضوع درگیر شود و آن‌ها را با منطق خود بررسی کند. براساس داده‌های مندرج در جدول ۳، وجه خبری با فراوانی ۲۱۵، بیشترین بسامد را دارد. کاربرد بالای وجه خبری نشان می‌دهد نویسنده از افعالی استفاده کرده است که وقوع یا عدم وقوع آن‌ها حتمی بوده و از درجه قطعی بالایی برخوردار است.

در جدول ۴، آغازگر تجربی بیشترین بسامد را دارد و نشان می‌دهد که نویسندگان این متون، در پی جلب توجه مخاطب هستند و موضوع سخن برایشان خیلی اهمیت دارد.

در جدول ۵، دیدگاه ترویجی مدارس طبیعت تحلیل شد و از ۲۷۴ بند بررسی‌شده محتوای ۱۶۸ بند یعنی تقریباً ۶۱ درصد بندها، انسان را به حفظ محیط زیست و استفاده صحیح از طبیعت تشویق می‌کند. در جدول ۶، رابطه انسان و طبیعت بررسی شد و از ۲۷۴ بند بررسی‌شده، در ۱۴۹ مورد، یعنی تقریباً ۵۵ درصد، رابطه دوستانه انسان و طبیعت یا طبیعت‌دوستی وجود دارد. این مدارس در تغییر نگرش انسان به محیط زیست نقش اساسی دارند و کودکان را به حفاظت از

طبیعت سوق می‌دهند. بنابراین، در عصر حاضر که روزه‌روز بر معضلات و مشکلات و تخریب محیط زیست افزوده می‌شود و فقط عده‌ای اندک به دنبال پیدا کردن راه‌حلی برای این‌گونه مشکلات هستند، و از آنجاکه هرگونه رفتاری در جامعه بشری بازتابی عمومی خواهد داشت، قطعاً وجود این مدارس و رشدشان راهگشا خواهد بود تا اگر بزرگ‌ترها در امر حفظ زمین بی‌توجه‌اند و این مسئله با گوشت و پوست‌شان عجین نشده است لاقلاً کودکان ما یاد بگیرند که برای زندگی روی زمین، به زمین پاک نیاز دارند تا این یگانه محل زیستن کمتر و کمتر تخریب شود، بیاموزند که زمین تنه‌است و بی‌نهایت به هم‌نشینان نیاز دارد تا با عناصر آن دوستی کنند و این دوستی را با خود حمل کنند تا بزرگ شوند آنگاه دغدغه محیط زیست را خواهند داشت و از آن حفاظت خواهند کرد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Ecolinguistics
2. Nature schools
3. Critical discourse analysis
4. promotional texts
5. Systemic functional grammar
6. Ideologies
7. Experiential metafunction
8. Interpersonal metafunction
9. Textual metafunction
10. Stories we live by
11. Alexander & Stibbe
12. Ecology
13. Bang & Trampe
14. Honorio do Couto
15. Humboldt
16. Sapir- Whorf
17. Whinnom
18. Eliasson
19. Kravchenko
20. Chen
21. Wenjuan
22. Levasseur
23. Haugen tradition
24. Biolinguistic tradition

25. Participant
26. circumstances
27. Actor
28. Senser
29. Phenomenon
30. Carrier
31. Attribute
32. Identified
33. Identifier
34. Behaver
35. Existent
36. Mood
37. Reside
38. Polarity
39. Thematic structure
40. Information structure
41. Cohesive
42. Crompton

۸. منابع

- آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۹۵). *زبان‌شناسی زیست‌محیطی*. تهران: نشر نویسه‌پارسی.
- آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- اسماعیلی‌متین، ز. (۱۳۹۷). *زبان‌شناسی زیست‌محیطی، گفت‌وگویی با فردوس آقاگل‌زاده*. *زبان و شناخت*، ۱، ۱۱۴-۱۰۹.
- استیبی، آ. (۲۰۱۲). *حیوانات محوشده: گفتمان، محیط زیست، و پیوند دوباره با جهان طبیعت*. ترجمه‌ا. قربان‌پور (۱۳۹۶). تهران: نشر نویسه‌پارسی.
- حسین‌زاده، ف. (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان زیست‌محیطی در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- خیرآبادی، ر. (۱۳۹۷). *تحلیل گفتمان انتقادی نظرات خوانندگان سایت‌های اینترنتی ایرانی در رابطه با مسائل محیط زیست با رویکرد زبان‌شناسی زیست‌محیطی*. مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نشر نویسه‌پارسی.
- راکعی، ف. و نعیمی‌حشکوائی، ف. (۱۳۹۵). *استعاره و نقد بوم‌گرا، مطالعه موردی دو داستان گیله‌مرد و از خم چمبر*. *زبان‌شناخت*، ۱، ۸۹-۱۰۳.

- شاه‌ناصری، ش. (۱۳۸۸). نقش زبان علم در تشدید بحران‌های محیطی از منظر زبان‌شناسی زیست‌محیطی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۰، ۱-۲۵.
- غیاثیان، م.، و شیرینی، ا. (۱۳۹۴). انسان‌مداری و بازنمود آن در تعریف حیوانات در فرهنگ فارسی معین، تحلیلی در چارچوب انگاره زبان‌شناسی زیست‌بومی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱(۱۴)، ۵۳-۷۰.
- فلاح، ا.، شفیعی پور، س. (۱۳۹۸). سبک‌شناسی گفتمانی خطبه ۲۸ نهج‌البلاغه از منظر فراتشخیص‌اندیشگانی و بینافردی براساس رویکرد نظریه نقش‌گرای هلیدی. *جستارهای زبانی*، ۶، ۲۰۵-۲۳۲.
- قطره، ف.، پشتوان، ح.، و طالبی دستنایی، م. (۱۳۹۴). رویکرد زیست‌محیطی در پژوهش‌های زبان. *زبان‌شناخت*، ۱، ۲۳۱-۲۴۳.
- مشتاق‌مهر، ر.، و فیضی، ا. (۱۳۹۷). بررسی عناصر زبان‌شناسی زیست‌محیطی در متون عرفانی با تکیه بر آثار بهاء‌ولد، مولوی و بقلی شیرازی. *نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز*، ۲۳۷، ۱۸۵-۲۰۹.
- مقداری، ص.، و جسک، ف. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان متن تفاهم‌نامه‌های علمی و فناوری بین‌المللی از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی. *مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. تهران، نشر نویسه پارسی.
- ملکی، ا.، صالحی، ص.، ربیعی، ع.، یازرلو، ر. (۱۳۹۵). به کارگیری مدل فرکلاف در گونه‌شناسی گفتمان‌های محیط زیستی ایران. *فصل‌نامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، ۲، ۵۹-۷۶.
- میبودی، ح.، شبیری، م.، ارجمندی، ر.، و بابایی، ف. (۱۳۹۰). یک رهیافت جدید در آموزش محیط زیست به کودکان. *فناوری آموزش*، ۱، ۷۷-۸۷.
- میرسعیدی، ع.س. (۱۳۹۵). ردپایی از زبان سبز در اشعار فارسی: یک بررسی زبانی-زیست‌محیطی. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان*. تهران، مؤسسه آموزش عالی نیکان.
- وهاب‌زاده، ع. (۱۳۹۲). کوکب و طبیعت. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- وهاب‌زاده، ع. (۱۳۹۵). طبیعت و کوکب خردسال. مشهد: صحرا شرق.

References

- Aghagolzadeh, F. (2016). *Environmental Linguistics*. Tehran: Parsi Publishing House. [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific and cultural. [In Persian].
- Alexander, R., & Stibbe, A. (2013). From the analysis of ecological discourse to the ecological analysis of discourse. *Language Sciences*, 41, 104–11.
- Bang, J., & Trampe, W. (2014). Aspects of an ecological theory of language. Denmark: *Language Sciences*, 41, 83-92.
- Chen, S. (2016). Language and ecology: A content analysis of ecolinguistics as an emerging research field. Canada: *Ampersand*, 3, 108-116.
- Couto, H. (2014). Ecological approaches in linguistics: A historical overview. Brazil: *Language Sciences*, 41, 122-128.
- Eliasson, S. (2015). The birth of Language ecology: interdisciplinary influences in EinarHaugens, the ecologyof Language. Germany: *Language Sciences*, 50, 78-92.
- Esmaili Matin, Z. (2018). Environmental linguistics, conversation with Ferdows Aghagolzadeh. *Language and Cognition*, 1, 114-109. [In Persian].
- Falah, A., & Shafi'a Pour, S. (2019). Discourse Stylistics of Sermon 28 of Nahj al-Balaghah from the perspective of intellectual and interpersonal role based on the approach of Halliday's map theory. *Linguistic Essays*, 6, 205-232 . [In Persian].
- Qatreh, F., Pashtvan, H., & Talebi Dastnaei, M. (2015). Environmental approach in language research, *Language Recognition*, 1, 231-243. [In Persian].
- Ghiasian, M., & Shirini, A. (2015). Humanism and its representation in the definition of animals in a certain Persian culture, an analysis in the framework of the idea of ecological linguistics. *Linguistic Research*, 1 (14), 53-70. [In Persian].
- Halliday, M. A. K. (1970). *Language and language function*, J. Lyone(ed), New Horizons in Linguistics, Harmondsworth: Penguin.

- Halliday, M., & Matthiessen, C. (2004). *An introduction to functional grammar*, London: Arnold.
- Hoseinzade, F. (2009). *Analysis of environmental discourse in Persian language*. M.A Thesis. University of Esfahan. [In Persian].
- Khairabadi, R. (2018). Critical discourse analysis of readers' opinions on Iranian internet sites on environmental issues with an environmental linguistics approach. *Proceedings of the 5th National Conference on Discourse Analysis and Applied Studies*. Tehran: Parsi publishing House. [In Persian].
- Kravchenko, A.V. (2016). Two views on language ecology and ecolinguistics, Russia: *Language Sciences*, 54, 102-113.
- Maleki, A., Salehi, S., Rabiee, A., & Yazerloo, R. (2016). Application of Fairclough model in typology of Iranian environmental discourses. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 2, 59-76. [In Persian].
- Mayboudi, H., Shobayiri, M., Arjmandi, R., & Babaei, F. (2011). A new approach to environmental education for children. *Education Technology*, 1, 77-87.
- Meghadri, S., & Jask, F. (2018). Discourse Analysis of the text of international scientific and foreign memoranda of understanding from the perspective of Halliday's Systematic Rhetorical Order. *Proceedings of the Fifth National Conference on Discourse Analysis and Applied Studies*. Tehran, Iran Parsi publisher . [In Persian].
- Mirsaidi, A. S. (2016). Footprints of green language in Persian poetry: a linguistic-environmental study. *Proceedings of the Fourth International Conference on Applied Research in Language Studies*. Tehran, Nikan Higher Education Institute. [In Persian].
- Mushtaqmehr, R., & Faizi, A. (2018). A study of the elements of environmental linguistics in mystical texts relying on the works of Bahvalad, Rumi, and Baqli

Shirazi. *Journal of Persian Language and Literature*, University of Tabriz, 237, 185-209. [In Persian].

- Rakaei, F., & Naimi Hashkvaei, F. (2016). Ecological metaphor and critique, a case study of two stories of Gilemard and the bend of the chamber, *Language Recognition*, 1, 89-103. [In Persian].
- Shahnasari, Sh. (2009). The role of the language of science in exacerbating environmental crises from the perspective of environmental linguistics. *Language and Linguistics*, 10, 1-25. [In Persian].
- Stebbi, A. (2012). *Fossilized Animals: Discourse, Environment, and Reconnection with the Natural World*. Translated by Ghorbanpur. Tehran: Parsi Publishing House. [In Persian].
- Vahhabzade, A. (2013). *Child and Nature*. Mashhad: Mashhad University Jihad Publications. [In Persian].
- Vahhabzade, A. (2015). *Nature and the Young Child*. Mashhad: East Sahara. [In Persian].
- Wenjuan, Z. (2017). Ecolinguistics: Towards a new harmony. Denmark: *Language Sciences* 62, 124-138.